اجزاء صوم مندوب از صوم واجب در فرض داعی به داعی در روایات

این برای جهت اجزاء بود. خب حالا اگر به سنت عمل نکرد، چون حکم بالفعل بوده، اگر بعداً معلوم شد، باید قضا کند. روایات متعددی هم بود که باید بعداً قضا کند. در جلسه قبل تا اینجا صحبت شد. تتمه بحث ماند.

شاگرد: داعی به داعی را یک بار دیگر بفرمایید.

استاد: ذیل حدیث سماعه، داعی به داعی را عرض کردم. همچنین ذیل حدیث هشتم از باب پنجم، حدیث زهری، در فرمایش امام علیه‌السلام توضیحی هست. حاصلش هم این است: ما یک مقصودی داریم که یک داعی اصل کاری هست؛ این است که می‌خواهیم برای ماه مبارک احتیاط کنیم. می‌خواهیم ماه مبارک از ما فوت نشود. چه چیزی فوت نشود؟ اینکه من واقعاً مصداق ماه مبارک را انجام بدهم. نه اینکه یک چیز دیگری انجام بدهم. چرا؟ چون در فرض «ان کان من شهر رمضان»، روزه او واجب شده. چون در عالم ثبوت، روزه ماه مبارک، واجب است.

بنابراین داعی طولی که محرک اولیه است، این است که می‌خواهم ماه مبارک از من فوت نشود. می‌خواهم به‌خاطر شهر مبارک احتیاط کنم. ولی علم که ندارم، مستصحب هستم، چه کار می‌کنم؟ داعی مباشری من قصد صوم شعبان می‌شود و روزه را می‌گیرم. ولی اگر ماه مبارک بوده، چون داعی در طول این دارم، واقعاً مأتیٌ به من، قطعاً همان روزه ماه مبارک است، نه چیزی غیر از آن. با این تحلّل به انجام وظیفه، مخصوصاً تحلّلی که عرض کردم چندین حکمت دارد که ما می‌فهمیم، آن‌هایی که ما نمی‌فهمیم که هیچ، حکمت‌های متعددی دارد که صحبتش شد. ما می‌فهمیم که این حِکَم در این هست که استصحاب را نه از ناحیه شک در بقاء ماه قبل، بلکه از ناحیه یقین دومی که می‌آید آن را از بین ببرد، آن را پررنگ می‌کند.

> 14:29

شاگرد: درا‌ین‌صورت هم جعل بدلیت هست. برای اینکه مجزی باشد باید بدلیت را جعل کند. نیت ماه رمضان که نداشته.

استاد: در طول داشته. طول یعنی همین. ببینید نیت طولی کار انجام می‌دهد. داعی به داعی در کل فقه خیلی مطرح است.

شاگرد: یعنی برای صحت شرط می‌کند که داعی ماه رمضان باشد؟

استاد: هست. اصلاً خود روایات آن را توضیح می‌دهند. چون قبلاً بحث شده تنها اشاره می‌کنم. در روایت سماعه چه فرمودند؟ روایت مهمی بود که دو-سه روز روی آن بحث کردیم.

> **عن سماعة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل صام يوما و الا يدري أ من شهر رمضان، هو أو من غيره فجاء قوم فشهدوا أنه كان من شهر رمضان، فقال بعض الناس عندنا ال يعتد به فقال: بلى فقلت: إنهم قالوا: صمت وأنت ال تدري أ من شهر رمضان هذا ام من غيره؟ فقال: بلى فاعتد به فإنما هو شيء وفقك الله له، إنما يصام يوم الشك من شعبان، و ال يصومه من شهر رمضان لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك، وإنما ينوي من الليلة أنه يصوم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله وبما قد وسع على عباده، ولولا ذلك لهلك الناس[1]**

«رجل صام يوما و الا يدري أمن شهر رمضان، هو أو من غيره فجاء قوم فشهدوا أنه كان من شهر رمضان، فقال بعض الناس عندنا ال يعتد به»؛ از امام سؤال می‌کند که عده‌ای می‌گویند روزه او فایده‌ای ندارد. **«فقال: بلى»**؛ فایده دارد. **«فقلت: إنهم قالوا»**؛ آنها چرا می‌گویند که فایده ندارد؟ **«صمت وأنت ال تدري أمن شهر رمضان هذا ام من غيره؟»**؛ تو چه می‌دانستی که ماه مبارک است؟ روزهای گرفته‌ای که یوم الشک بود. حضرت می‌فرمایند: **«فقال: بلى فاعتد به»**؛ روزهای که گرفته‌ای درست است.

«فإنما هو شئ وفقك الله له»؛ خدا تو را موفق کرد که این روزه را بگیری. **«إنما»**؛ این «انما» توضیحی مفصلی بود برای داعی به داعی. چرا در یوم الشک می‌گویید که نیت شعبان کند؟ بعد هم می‌گویید «یوم وفقک الله له». حضرت می‌فرمایند: **«انما يصام يوم الشك من شعبان»**؛ چرا روزه یوم الشک را از شعبان می‌گیریم؟ **«و ال يصومه من شهر رمضان لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك»**؛ چون نهی شده که انسان این روز را تنهایی روزه بگیرد. این نهی، غیری است. نهیی است برای اینکه همجهت با مردم باشد و انفراد در صیام نیاید. خب حالا چه کار کنیم؟ از یک طرف می‌خواهیم به آن توفیق الهی دست پیدا کنیم و از یک طرف نهی داریم که منفرد نشویم. حضرت ای می‌دهند: **«وإنما ينوي من الليلة أنه يصوم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله وبما قد وسع على عباده، ولولا ذلك لهلك الناس»**؛ از اینها دو روز- سه روز بحث کردیم؛ در آن جایی که فرمایش شیخ را می‌خواندیم. حالا همین بیان را در روایت زهری ببینید. دوباره حضرت برای او توضیح می‌دهند.

> **عن الزهري، عن علي بن الحسين عليه السلام (في حديث طويل) قال وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه، أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس، فقلت له: جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟ قال: ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه، وإن كان من شعبان لم يضره، فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟ فقال: لو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو ال يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم بذلك لأجزأ عنه، لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه[2]**

«وصوم يوم الشك أمرنا به ونهينا عنه، أمرنا به أن نصومه مع صيام شعبان، ونهينا عنه أن ينفرد الرجل بصيامه في اليوم الذي يشك فيه الناس، فقلت له: جعلت فداك فإن لم يكن صام من شعبان شيئا كيف يصنع؟»؛ اگر اصالً ماه شعبان را روزه نگرفته و حال می‌خواهد یک روز الشک را روزه بگیرد، چه کار کند؟ حضرت عین همان را به او یاد می‌دهند. **«قال: ينوي ليلة الشك أنه صائم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه، وإن كان من شعبان لم يضره»**؛ ماه شعبان را گرفته است.

«فقلت: وكيف يجزي صوم تطوع عن فريضة؟»؛ او که نیت ماه مبارک نکرد، نیت شعبان کرد، چطور می‌خواهد مجزی باشد؟ فرمایش امام را ببینید! حضرت فرمودند: **«قال: ولو أن رجلا صام يوما من شهر رمضان تطوعا وهو لا يعلم أنه من شهر رمضان ثم علم بذلك لأجزأ عنه، لان الفرض إنما وقع على اليوم بعينه»**؛ این یعنی بدل؟! **«لان الفرض»**؛ یعنی ماه مبارکی که او گرفته، «وقع على اليوم بعينه». اینکه بدل نیست.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۳

[2] همان ۱۴

بازبینی #1
ایجاد شده در 20 مه 2026 11:44:06 توسط ... .
به روزرسانی شده در 20 مه 2026 11:48:30 توسط ... .